

(عنوان مراسلات)

اسكندرية

(اداره چهره نما)

صندوق پوست

نمره ۵۳۳

ALEXANDRIE

CHEHRE NUMA

Boite de la Poste

No. 533

اعلان سطري

دو فرنگ در تکرار

باداره رجوع شود

ظروف

وپا کتھاي بدون

متر قبول نخواهد شد

چهره نما

۱۳۲۲-۱۹۰۴

جريدة مصورة

۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۲ هجری مطابق ۳۱ لوليو ۱۹۰۴ میلادی

وجه پست داخله وخارجہ بعهده اداره است

(قیمت آونہ سالیانہ)

اسكندرية و قطر مصر

سه ريال ۳

ممالك دولت عالیہ ایران

سه تومان ۳

بلاد محروسہ عثمانی

چهار مجیدی ۴

انکلند هندوستان

ده روپیہ ۱۰

قفقازیه ترکستان

هشت منات ۸

اروپا چین بیست

فرنگ ۲۰

این روزنامه مصور و آزاد و بدون القاب موقتاً ما هی دوبار و بعد هفته کی طبع و توزیع میشود

سیاسی

ساحت قتال و عرصه رزمکاه دولتین متحاربین
در اقصای شرق بقسمی خون ریز و خون پاشست
که دیده نظاره گان و نظر تماشاگران چیزی نه بیند
بجز ابدان نجون آغشته و تلال مهیا گردیده شده
از کشته و انحرار جاریه از مقتولین طرفین
ظنون اغلب سیاسون و گمان اکثر نکته دانان
و مال امور شناسان بر این است که سرعت و شتاب
و عجله و التهاب سیل بنیان کن فتوحات نمایان ژاپون
و تصرفات دمام او خاتمه جک را عما قریب بنمایاند

فهرست مندرجات

سیاسی - چهره نما - مکتوب یکی از حقیقت
خواهان مصری - چهره نما - بقیه مقاله مؤانسہ -
اعتذار یا جوهر مقصود - نقل از کرامی روزنامه
تریت - چهره نما - مکتوب از ولاد قفقاز -
چهره نما - نظامنامه مدرسه نوروز - مکتوب
از باطوم - چهره نما - نجف اشرف - تکرافات -

میباشد و پس از آنکه ژاپون بندر را تصرف نمود خیالات کورپانکین از موقع مهم بندر آسوده شده در مواقع منیعہ دیگر هم خود را مصروف میدارد و اغتشاش حواس و تشتت خیال کورپانکین هر قدر زیادتر بوده باشد منافع پیشرفت ژاپونزا میرساند

لذا میتوان گفت تا مواقع مهمه دیگر را ژاپون تصرف نکند (چنانکه همه روزه تصرف میکنند) پورا تر را تصرف نخواهد کرد و وقتی بندر را تصرف خواهد نمود که محاصرین غیر از تسلیم چاره نداشته باشند و بهر طرف نظر کنند بغیر از جنس ژاپونی چیزی نه بینند

دولت روس از ابتدا تا حال آنچه خیالاتیکه بآراء در باریان و مصلحت اهل شور و کنکاشیان منتج به نتایج مفیده و درهم افتادن دول اروپ و دخالت سایرین بود در مطرح مذاکرات افکنند و ضمناً در صدد اجرا برآمد و انخیالات فاسده را صورت خوارجی داد نتیجه برعکس شد و ثمری یجز ندامت و پشیمانی و اثری بغیر از خسارت و رسوائی بجهت اونه نجشید

من جمله گرفتار نمودن کشتیهای تجاری انگلیس در دریای چین بود و کنجکاوئی از کشتی تجاری آلمانی در دریای قرمز که اینک چند روز است دولتین انگلیس و آلمان سخت ایستادگی کرده محاجه مینمایند و ازین کردار ناپسند که اول معاهده بین الدولت ادعای شرف دارند و نماینده انگلیس در دربار روس بشدت اعتراض کرده

و عده قشون بسیار را از مخاطرات شدید و مهالک عدیده برهاند و روس آنچه را از کف داده است و میدهد در کمال ترضیه خواطر گذاشته و بگذرد

حصن حصین و حصار متین بندر پور آرتر بایر شهای دلیرانه و هجومهای مردانه ژاپونیان بمعیت توپهای قلمه ککوپ دریائی تا حال کاملاً در قبضه ژاپون نیامده اگرچه ظنون بعضی پولتیک دانان بر آنست که این مسئله را نمی شود از فرط تدابیر صائبه ژاپون از نظر انداخت و میتوان گفت بعداً جنرال (گوروی) کاملاً قشونی بجوانب بندر برا و بجرا مامور نمیدارد بملاحظات چند

اولاً آنکه تصرف بندر پور آرتر اقلاده هزار نفر اتلاف قشون ژاپونزا مینمایاند

ثانیاً محاصرین و مستحفظین بندر که از روسها بالغ بر پنجاه هزار نفر هستند پس از آنکه پور آرتر را تخلیه کردند بطرف نقاط دیگر رهسپار شده و مواقع دیگر را محفوظ مینمایند که شاید در نقشه کشتی پیشرفت ژاپون انمواقع اهمیتش بر بندر مذکور غلبه داشته باشد

ثالثاً در اینجا روزانه مصارف عده پنجاه هزار نفر معلوم است که باعث انعدام آذوغه و ذخایری هستند که روس در مدتی زیاد تحصیل کرده است و زمان فراغت و ارزانی نه زمان تنگی و قحطی

رابعاً هم جنرال کورپانکین روسی حالیه بمحفوظ نمودن نقاط متعدده عموماً و بندر پور آرتر خصوصاً

فته خوابیده بوسه قدری بجنبش
آمده اگر قدری ژاپون در پیشقدمی سستی کند
میتوان امیدى در آتیه روس داشت و تکرافات
(روتر) چه خدمتی نمایان در عالم وحشت و دهشت
بنماید

اخبارات موحشه مرض منحوس و بادردار
الخلافه طهران یکی دوروزاست بشارت تحفیف
میدهد وعده اتلاف تبریز را روزانه چهل نفر
میکوید امیداست از برکات انفاس قدسیه مقرران
درگاه حضرت رافع البلیا بزودی بر طرف شود

بقیه خطابه درر مشابه اعلا حضرت همایونی

(در دربار خاص)

(از شماره ۶)

اگر بعد از این بشنویم در اقصی بلاد ایران بعبادت
سابقه باره یا معامله کنند و از ظلم و تعدی باک نمایند
و از سخط و غضب ما نیندیشند ولو اینکه شخص متعدی
از نزدیکترین بستگان سلطنت و محبوب ترین نوکرهای
خودمان باشد از مجازات او صرف نظر نخواهیم کرد .
ولو اینکه همچو آدمی در نزد ما هر قدر محترم . دارای امتیازات
باشد با یک نفر آدم شریو قتال و خونخوار یکسان و در
مکافات کردار و جزای عمل حکم واحد از ره باره
خواهد داشت

در اینصورت باید عموم حکام مقصود ما را درست
استنباط کرده بدانند که حسن رفتار با رعیت موجب
بقای احترام و مزید اعتماد مادر باره آنهاست و ذره ظلم
و ناحسانی در باره رعیت تمام شئون و احترامات حکام
و مأمورین دولتی را از نظر ما محو و زایل خواهد کرد -

بغاوت و خود سري بلوایان داخله روس هر روز
آتش فتنه دیرینه را دامن میزند و همه دم برعهده
انها و تعدادشان افزوده میگردد چنانچه چند روز
پیش وزیر داخله او (مستر دیلوف را) هنگام
عود از دربار بزخم نارنجک تمام کردند و ضرب
دست قاتل وزیر موصوف و درشکه و اسبهای
درشکه و درشکه چیرا هلاک ساخت بر اثر این قتل
دوروز بعد وزیر حقانیه را روانه دیار عدم کردند
شدت ناخوشی امیر حبیب الله خان امیر
افغانستان انکیلسانرا سخت باضطراب انداخته و شبانه
روز در تدایر صائبه هستند اگرچه رفتن سردار
نصر الله خان کهمین برادر امیر بسرحد پیشاور
و ملاقات فرم نفرمای هند باوقدری تسلیه خاطر
انکیلسان گردید اما بحکم (الخائن خائف) باز آسوده
نیستند و بیم و هراس آزان دارند که روس یکباره
قطع علایق از اقصای شرق کرده رهسپار بجانب
هندوستان گردد و انکیلسرا دوچار خسارتهای
کونا کون و مصاریف از حد فزون بنماید چرا که
امروز بذهن روسیان چنین نشسته که هیزم کش
تنور جنک ژاپون با روس انکیلس است و تاروسیان
جان دارند بموقع تلافی خواهند گرد انکیلسان هم
همیشه نقشه مصون بودن هند را تا هزاران سال بعد
کشیده دارند اینک شجاعت و دلآوری و شهامت
و هنروری و اختراعات و تبعات ژاپون و حملات پاپی
او تنهانه محسود انکیلس گردید بلکه تمامی دول
معظم ذیفنون مبهوت و رقیب بزرگ او گردیده اند

که از آنها تقرر اخذ و عمل شده دیناری رعیت بیچاره
نمدي و تحمیل نشود

ثانیاً قرار بدیم که در هر محل کلیه مالیه و عواید
دولتی بتوسط حکومت وصول و بقسط معین تسلیم مأمور
صندوق شده دیگر شخص حاکم در ایصال حقوق مردم
طرف نباشد و رسانیدن حقوق مردم بدون دیناری کم
و کسر بطوریکه مقرر خواهیم فرمود بعهده مأمور
صندوق واگذار باشد

در واقع این اتهامات ما برای آن است که آنچه
از کیسه دولت خارج و صرف نگاهداری نوکر و امیدواری
رعیت میشود مرتب و بسهولت بآنها برسد و تکلیف مأمور
صندوق هم فقط این است که مالیات را بقسط معین از
حاکم محل بگیرد و بخارج مقررئیکه در کتابچه دستور
العمل او منظور شده است برساند وصول مالیات و رساندن
بصندوق تکلیف حکومت است و مسئولیت این کار نیز راجع
بشخص حاکم خواهد بود که اگر در ایصال اقساط
مالیات غفلت و کوتاهی کند علاوه بر اینکه قسط را با
تزیل آن استرداد خواهند نمود برای شخص حاکم نیز
حکمی معین و مجازاتی معلوم خواهد بود

ثالثاً شرط تنظیم امور و تعیین صحت کارهای
دولتی و مملکتی ترتیب دفتر نوشتجات و کابینه مخصوصی
است که باید بدو در مرکز ریاست کل تشکیل و باصول
و قواعد صحیحه در تحت ریاست مستقره بر قرار و بوضع
کابینه های دول منتظمه دائر شده در ثبت و ضبط اسناد
و ترتیب کلیه نوشتجات و احکام دولتی و منع صدور احکام
متضاده بترتیبی که در سایر بلاد متصدنه معمول و مقرر
است دقت و مراقبت شود

برای اجراء این مقصود محمود نیز میرزا رضا خان
مؤید السلطنه را بتصویب وزیر اعظم بعنوان وزارت کابینه
منتخب کرده و دستور العمل مخصوص داده ایم که بعد
از اقدام در ترتیب کابینه مرکزی شعب و متفرعات آن
را بهر جا منبسط و منضبط ساخته در کلیه ولایات کابینه

همچنین هرگاه از طرف مباشرین امور دیوانی نسبت
به بست ترین رعیت بی اعتدالی شود شخص رعیت
محکوم است که مستقیماً شرح حال خود را بحضور ماعرض
کند و در رفع نمدي و مجازات مرتکب از شخص
سلطنت استرحام نماید که محال است بفضل الله از پاداش
ظلم و اعانه مظلوم مرمویی خود داری و ملاحظه فرمائیم
و همچنین اگر معلوم شود عرض رعیت از راه خلاف
و اشتباه بوده بعد از تحقیق بافتضای عدالت شخص
مدعی را باشد عقوبات و انواع سیاست گرفتار خواهیم
کرد که سایر افراد رعیت بنظایر آن جرأت اقدام نور
زیده نوکر دولت را منتهم و ظالم بقام نیاورند

ثانیاً مقصود دیگری که در تحصیل آسایش عموم داریم
راجع بعمل حقوق کلیه نوکر از ارباب مناصب کشوری
و لشکری و نظامی و سایر ارباب و وظایف و حقوق است که
هر سال تمام عایدی دولت صرف این محل شده و معلوم
نیست که تا کنون بچه وضع وصول و بچه ترتیب مختل
بصاحبان حقوق میرسیده یا در غالب موارد بواسطه پاره
موانع هیچ نمیرسیده و دولت از ظلمات کتبی و تلکرافتی
دور و نزدیک بچه اندازه گرفتار زحمت و مشقت بود -
در اینصورت هم ما امروز مصروف این است که از
عطیات مستمره دولتی آنچه بحقوق نوکر از سپاهی و غیر
سپاهی و ارباب مناصب و اهل استحقاق و دعا باید برسد
بعد از این مرتب و بدون دیناری کم و کسر رسیده یکدینار
از حقوق مردم کسر نشود و معوق و لا وصول نماید و ترتیبی
داده شود که در رسانیدن حقوق نوکر و غیره و سببه
عذر و بهانه بدست هیچ یک از حکام نیفتند و چون در
اضاء و اجراء این نیت طرح و ترتیبی جدید لازم است که
ترتیبات سابقه بکلی منسوخ و اسباب تسهیل وصول و ایصال
مالیات دیوان از هر جهت فراهم شود لا بد موافق دستور
العملی که جداگانه مقرر فرموده می خواهیم در کلیه
ولایات صندوق مالیه ترتیب داده شود
اولاً دستور العمل مخصوص در وصول مالیات بدیم

دولتی دایر نماید و در اخذ اطلاعات و تحصیل را پورت احکام و نوشتجات دولتی بترتیبی که مقرر فرموده ایم اقدامات لازمه بعمل آورد

رابعا چنانکه در طهران هیئت دولت بوجود وزارت خانه های مختلفه و شعبات معینه در تحت یک ریاست کل صورت ترکیب و ترتیب یافته مأمورین آن وزارتخانه هاء که عبارت از عدلیه و نظام و خارجه و تجارت و حساب وغیره باشد همه جا در تحت ریاست و اطاعت حکومت تحلیه هر کدام باتفاق حکومت و باجلاس و مشورت همکاران خود خدمات مرجوعه بخود را باید انجام بدهند و حکومت کمال مساعدت در امور راجعه بآنها و آنها نیز کمال تمکین و اطاعت حکومت را داشته باشند

چرا باید وضع حکومت ولایات و صورت احوال امور غیر از وضع حکومت مرکزی و خارج از صورت سنیه دولت باشد و کارهای یک ولایت باز مثل سابق در هم وغیر منظم نماید

خامسا مأمور مخصوصی علاوه بر مأمورین ادارات مرکزیه بعنوان تفشیش همه جا خواهیم گذاشت که مراقب اجرای احکام صادره از مرکز و ناظر عمل دیگران باشد و حقیقت احوال را در کمال صداقت و درستی بعرض اولیای دولت برساند

آنچه می خواستیم حضوراً بشما فرمایش کنیم این بوده که اجمالاً گفتیم حالاً بروید منزل عین الدوله وزیر اعظم که این مکنونات خاطر و فرمایش های ما را بشما مجدداً ابلاغ و اظهار دارد و چون بدرستی میدانیم عین الدوله وزیر اعظم که سالها در آستان ما خدمت کرده و نیات مقدسه ما را کاملاً واقف شده است او امر ما را هر چه اراده فرمائیم بوقع اجراء میگذارد باید عموم شما هم بطوریکه از جانب ما با او فرمایش و از او بشما ابلاغ میشود خودتان را در اجرای او امر دولتی مکلف دانسته و بایکدیگر واحد و متفق شده در انجام مقررات ماسعی کنید که با فضل خدا اصلاح حال عموم

و رفع بی اعتدالیها بشود - ما هم از حسن خدمات عین الدوله وزیر اعظم کمال رضا مندی را داریم و از این خدمت بزرگ او که بطور خوش و بدون دیناری کسر حقوق مردم عمل مالیه دولت را اصلاح نموده و خاطر ما را قرین اطمینان داشته است نهایت خرسندی و مسرت حاصل فرموده ایم باید شما هم در اجراء مقاصد دولتی در این موقع موافقت نموده در پیشرفت خدمات و اصلاحات امور بطوریکه وزیر اعظم دستور العمل میدهد بذل همت و صرف دقت و مراقبت نمائید

چهره نما

اگر موضعین قوانین محکمه اساسی و مؤسسين دیاوین معظمه سیاسی و کسانیکه بمعارج ادبیات جدیده و اشخاصیکه بمدارج کلمات عدیده ارتقایافته و اوضاع محسنات قوانین منتشره دول معظم و وسایل حسیات زنده کانی ملل عالمرا بقدر توسعه دائره معرفت و بصیرت خود شناخته از طریق فتوت و جوانمردی و از راه امر و ت دانشمندی در این تقریرات عالم محسنات ملوکانه و فرمایشات جهان جهان فواید و ترتیبات خسروانه بنگرند میدانند که در هر سطرش عالی حقایق ترقیات ملت مسطور و در هر عنوانش جهانی دقایق اصلاحات رعیت منظور است نقشهجات ابو السیف نادر شاه افشار و پطر کبیر روسی و پرنس بسمارك آلمانی در ترقیات دولت و ملت باقتضای عهد خود بود نه زمان حاضر چنانچه بدایع ترقیات و صنایع مخترعات محیر العقول امروز

* مکتوب مصري *

مدیر جریده (چهره نما) که چهره معانی بیان و معالی بنان بروی ادانی و اعالی گشوده عرضه داشت زحمت و قلم در هم باعث خجالت است در شماره چهارم روزنامه چهره نما در صفحه نهم عمود اول در ذیل حوادث اسکندریه و ورود و عبور آقای میرزا علی اصغر خان امین السلطان صدر اعظم اسبق ایران نکارش بود (نکارنده هم دو مجلس شرفیاب شده روی هم ده ساعت حضور داشتم و استمدراک فرمایشات و حضور شانرا مینمودم و ذخایر ان ساعات را در خزینه سینسه نگاه داشتم تا بشرط حیات محض آگاهی شرکاء عظام چهره نما در ذیل مقاله (رعیت چون رعایت دید ملک آباد میگردد) خواهم نکاشت) آزان تاریخ تاحال همه دم منتظر جریده چهره نمایم که برسد و از مقاله موصوفه تمتعی برم و بهره بردارم دو نسخه که پس از نمره چهارم رسیده است اظهاری نداشته اید ظن بعضی مشترکین است فراموش شده محض مذاکر و خواطر آورد زحمت دادم و میدانم شنیدن کی بود مانند دیدن آنچه سایر جراید در خصوص صدر اعظم نوشته اند غالب نقل قول بوده و رویت شخص او را نکرده اند و در مجلس هم صحبت نشده اند سایرین هم از علم سیاسی و رموز پولتیک حالیه

نامخ فنون و ماهی شوئن . از منہ گذشته است عهد حال هم تباین بسیار و فرق بی شمار با زمان پیش دارد . این است هرگز ممکن نیست مکتوبات خاطر در یا مقاطر اعلم حضرت شاهنشاهی و پدر حقیقی ایرانیا نرا تعقلاً و تدبیراً مقایسه با افکار نادر شاه و پتر کبیر و پرنس بسمارک نمود (هر کس بزمانه خویشان بود) همچنانکه ترقیات انعهد تاحال از زمین تا آسمان فرق است ها نقدر کیاست قاهره خسروانی و فراست باهره شاهانی با ترسیات و نقشه کشیمای مشهورین گذشته مبیانت دارد

اما مروج نیات مقدس عالیله ملوکانه . و مهیج خیالات اقدس متعالیه خسروانه را وزیري پاك ضمیر صداقت آیین حقیقت کزین حقوق شناس شاه پرست دولت دوست ملت خواهی همچون شاهزاده غیور آزاده و الاتبار (عین الدوله وزیر اعظم) ضرور بود که بنصه شهود برساند بار کرد کارا ملکا معبودا باچه زبان توایم از عهدده سپاسداری این بزرگ نعمت کبری و از حق شکرگذاری این عنایت بابرکت غرا یعنی شخص وزارت عظام بدر آیشم . و اندکی از بسیار و یکی از هزار از محسنات این موهبت خاصه که ملت نجیب را کرامی نعمتی است فیض بخش بیان نمائیم نکذرد چندی که ایران از کفایت داریش * ثانی ژاپون شود در شرق خاک آسیاء

و در پیش پیش بینان فرد فرد ملت شرم دارم که
 مندرج دارم و استحضار خود را بر زبان خامه آرم
 اما بحکم (الکریم اذا وعد وفا) خواهیم نکاشت
 (انکه سایر جراید هرچه نوشته اند در خصوص
 صدر اعظم نقل قول بوده و رویت شخصی اوست
 نکرده اند) در ثبوت وحدت حق مطلق با دلایل
 عقلیه و براهین نقلیه جایز به (ارنی) گفتن
 نیست که پاسخ (ان ترانی) آید و این خیالیست
 خام و ظنیت بدفرجام در کمال صدق و صفا اطمینان
 کامل داشته باشید که جراید عموماً و روزنامه
 مقدس جبل المتین که ساختش چون روان
 ارواح مکرم صاف و منزله است خصوصاً هرچه
 از اعمال و افعال و نیات و خیالات حاجی امین
 السلطان میرزا علی اصغر خان صدر اعظم سابق
 ایران نوشته اند بوحدانیت حضرت آله و حقانیت
 حضرت رسالت پناه و مظلومیت شاهنشاه رعیت
 خواه که ذره از خروار و خردلی از بیسار نه نوشته اند
 (بصدق خط و کلام خدا گواه بود)

بقیه مقاله موآسه

(از نمره ۵)

من از کثرت نضرع و انابه • در انعرض حاجات • و شدت
 فزع و لابه • بدرگاه قاضی الحاجات • بی طاقت و تاب •
 و غرق فلقی و اضطراب • مانند زریق و سیاب • لرزان •

بهره ندارند که باوزیری که نشستند مذاق اوست
 و خیالاتشرا بحال ملت و دولت بفهمند حضرت
 سامی چون برای العین ملاقات کرده آید
 و در مدقلمت غرضی نیست و تازه پابدایره
 مطبوعات گذاشته آید و با عمر زید غرضی ندارد
 شیندن انمقاله اهمیتش خیلی و مطالبش بدون
 تخلف است و دلپذیر و خالی از غرض است دیگر چنانچه
 کل بر طبع بذال نباشد عکس ایشانرا هم بیندازید
 که مردم از صورت و سیرت آگاه باشند نفرمائید
 مصرتیم و اصرار دارم همه چون منند (ح • رض)

چهره نما

انکه گمان بمضی و ظنون برخی قارئین چنین است
 که ما مقاله (رعیت چون رعایت دید ملک آباد
 میکرد) را بر حسب میثاق که نمودیم و وعده
 که دادیم فراموش کرده ایم ظنون همه بخطا
 و کانشان در هواس است رجا نمودیم از وظیفه مقرر
 مقدسه روزنامه نکاری کاهی تخطی و بر وجدان
 و شرف خود دمی تعدی نکنیم چنانچه میخواستیم
 در همان شماره استدراک خود را بنویسیم ممکن بود
 لاکن بدو سبب در اندرا جش عمدا تسامح و رزیدیم
 اول انکه در بلاد بعیده و قریبه جریده بمیل منتشر
 شده باشد که هر کس از او چیزی بفهمد و ثانیا
 بحقیقت حقیقت و راستی قسم است که از عنوان
 ان مقاله بنده شرمنده نزد هیئت جامعه دولت

و چون بیابان ندیده . کرک دیوانه دیده . هراسان
 اعضا بی حس و ناتوان . و اندام بی قوت و بی جان .
 چون سرعی برده . یا باد سام خورده . در افتادم . و سر
 بی کسی بسطحه تراب نهادم . راه تنفس مسدود . و شماره
 نفس معدود کردید . یکباره بی هوش از خود بدر شدم .
 (کفقی ازین جهان بجهان دیگر شدم) دهنم کف آورد .
 و موهایم از هجوم غنمان از جامه سر بدر کرد . عرق
 مرک بر چیه ام نشست . و طایر عمرم پروبال زنده کی درم
 شکست . و قوای عشره ام بار مسافرت بست . ضعفم
 بر قوت غالب . و قوت ضعفم بمد جوانب گردید . علائم
 مردن از کالبدم آشکار . و آثار بدرود گفتن از سردی
 بدن پدیدار . جان در شاخسار تن در طیران . و روانم
 در تنگنای بدن در هیجان . مردمک دیده ام در حلقه
 بی نور . و شعاع چراغ هستم دیجور . چون نخت جماد
 و یا شاخه مداد بر افتادم . و دیده و ابرو برم گذاردم .
 در انعام غشوه ناکهانی . و راحتی جاودانی . یا حالت خلسه
 یا اغما که مدهوش و بی پای بودم . و مجسمه رعشه گردیده
 بودم . سهر ایام ماضی و استقبال . و انقلاب هوالم ادبار
 و اقبال . مینمودم خیالم ناطق و فکرم حاذق بود . و باز
 در کیفیت طبیعت . که مکون مجاز و حقیقت . در عضو
 عضو و جوارح . با بسط و شرایح . قرارها داده . و راه
 ها کشاده . و اساسها نهاده . فکرم حاکی . و روانم شاکي
 بود . و بیاناتی حسرت خیز . و کلماتی از ندامت لبریز . میسرود .
 و دنیا دنیا محنت . و الم . عالم مصیبت و غم . برشونده می
 بخشود . شکننده شادی و نشاط . و برهم زن ارتباط اخلاط بود .
 که مقالاتش وحشت می فزود . و بر جگر سخره صماحرات
 حرفهای محزونش کارگر بود . کاهی آهسته و دمی بلند
 میسرود . خوشامرک و راحت شدن از این زنده کی
 میشوم . و فراغت از دنیا . خوشامردن و استراحت گردیدن
 ازین مرا فکندگی معلوم . و رستن از شداید بی جا .
 عجب زنده کانی داشتم منحوس . و حیاتی چون نخت
 شرفیان معکوس

مزرعه آمل حاصل فساد و فساد استبداد داد امان .
 امان . فریاد ازین داد . ازین داد ازین داد .
 و گلزار مرادم کل ناشکفته اعتراف آورد . ای شکفت
 شکفت ازین ورد . ازین ورد . ازین ورد . ایام حیات .
 و اوقات تهذیب صفات . و ترفیع مقام درجات . چه زنده
 کی داشتم . که خود را دمی از غم خاک پاک و وطن کرام .
 و ابناء انکوهر کرانیهای با احتشام . آسوده نکذاشتم .
 و از عشقش مویه کنان بر آشفتم . و از عهد مجد وار چندی .
 و دوران اقبال و سر بلندی . اودرها سفتیم . و افسانه
 ها کفتم . کوشاپور ذو الاکتاف و سطووش . و کوبه من
 دراز دست و همنش تا فیصر کبک غاشیه کشد . و پادشاه
 یونان سجده برد . نه از نیاکان سلف اثری . و نه از آه
 شرر بارم ثری . خوشا خوشا حال مرک . و عالم بی ساز
 و برك . (اجل اجل چه ترحم بحال خسته نمودی * که
 آمدی بسرافم قدم نورنجه نمودی) های . های .
 های . چه قدر غم و وطن خوردم . تا عاقبت خلاصی
 جستم و مردم . و آرزوی ترقیات ابناء وطن بکور
 بردم . در این آشفته کی حال . و کوفته کی احوال .
 و پریشانی خیال . ان محب صادق . و از همه رزایا فارق .
 دوان دوان بطرفم رو کرد . و جهان جهان شفقت آورد .
 بر بالینم به نشست . و از نا ملایقات نه خست . سرم بزانونهاد .
 و منق عظیم بر سرم گذارد . کفت ایدیوانه عجول .
 و سرسامی مجهول . بر خیز . و پیش ازین مستیز . و سر
 خود بدار حسرت میاویز . و غربال ندامت مبیز . حشیش
 کشیده ئی . یا چرس و بانک نوشیده ئی . هشباش .
 و آبروی خود پیش ازین پاش . و از چنگال زار خائی .
 و از ناخن یاره سرائی . سینه صبر و شکیبائی . مخراش .
 ناچند بی هوده کفتم و مصلحت نه پذیرفتن . دانی چها
 سخن رانندی . و چه آیات سیئات خوانندی . کلمات خشن
 و نا هموار . و سخنان مستهجن و ناهنجار . همه کی سخت
 و کارگر . و همه سست و ابتر . نتوان از جمله معترضه اش .
 چیزی فهمید . و بکنه حقیقت مطلب رسید . نطقت بسته

ودهات خسته نکرديد . ودلت از شمردن شکاوي بارزو
 نرسيد . از براي هرزه درائي عجب عجب عجولی . و بچواب
 نشيدن اين اباطيل زياده مولوي . ادبرا احدی باشد
 که بدون از حدش رنگ زردی آرد
 و شراره در هستی ممکنات اندازد . و عنوانش اساس
 هستی را در نبرد نیستی بیازد . بی ادبی کار خردمند .
 و عاقل ارجمند . نیست و امروز منکر این مطلب بگو
 کیست . سخت پا از کلیم خود دراز کرده . و بسا
 بیانات مبدل بخرافات بیدان آوردی . (ناز نبی تروی
 در حد خویش * الله الله پامنه زنداره پیش) ادب
 نگاه داشتی نداشتی . و از علائم بی ادبانه چیزی فرو
 گذاشتی نکذاشتی . نهال بی ادبی ثمر خفت و بار رقت
 آرد . و بیرویش جهالت و خذلان و سر افکنده کی اثر بخشد .
 بی ادبانه سخن بگراف . و جسورانه شکاوي سراسر خلاف
 گفتی . و بی مهابا دمام درنگه کلام بر آشتی . حدود
 ادب از ره منظور نیاورده . و بی ادبیرا بسر حد کمال
 رساندی . (بی ادب تنها نفوذ را داشت بد * بلکه آتش
 در همه آفاق زد در میان قوم موسی چند کس * بی ادب
 گفتند گو سیر و عدس مانده از اسبان شد منقطع * دیگر
 ازان خوان نشد کس منفع) بی ادبی نه تنها صاحب
 خود را روز و شب . دوچار شدائد و تعب . و بلا یا
 و کرب . میکنند . بلکه از شراره کستاخیش عالمیرا
 آتش میزند . نت خسته . و زبانت بسته . نکرديد بی
 اندازه جسوری . و در پوچ گفتن مست غرور
 و در ادای کلمات رکیک . و بیانات به بی دانشی نزدیک .
 عجب غیوری . مدتی که بودم در قید حیات . کسیرا بدین
 صفات ندیدیم و از کسی چنین عنوانات نشنیدم . همه تلخ
 و جگر شکاف . و سراسر بی مغز و فرین کراف .
 نه از نتایج گفتارت مقصودی . معلوم . و نه از فوائد آثار
 مجهولی مفهوم کردد . کلماتی پادر هوا و دم بریده . و بیاناتی
 سبک معیار و نسنجیده . اگر تورا فکر سلیم . و رای مستقیم .
 بودی . این مسافت بعیده یاوه سرائی گفتن نه پیمودی

قدری بارای رزین . و فکر متین هوش ده . و کوش
 انسانیت و مردمی فراده . و اغراض شخصی . و امراض
 نفسی . بیکسونه . سپس باخرد صائب . و عقل ثاقب . غور
 و در بحر هو شمندی و فراست غوص نما . و کشف حقایق
 زمان حال بنا . و نظر حقیقت . و دیده بصیرت . بمکشونات
 خاطر هایونی . و مضمونات خطابیه شاهانی که در دربار
 خاص صلاهی عام المنفعه زد بکشاش (دیده کوفهم چه شد
 عقل کهاست * شمع روشن بیرویناست) چه فرخنده صلاهی
 همه آیت رحمت . و چه زیننده ندائی همه شاهد نعمت .
 تلاوتش نسیم سعادت آرد . و قرائتش شمیم برکت کشاید .
 انواع بهجت و خرمی از مضامینش . نمایان . و اقسام مسرت
 و خوشی از عنا وینش . عیان . نوید آینده را مبشر . و قانون
 دول متمدن اروپا جزء جزء کلماتش مفسر . بهر حال
 از سعادات ابدی ملت . و برکات سرمدی دولت . مالا
 مال . حامی احکام الهی . و حاوی منصوصات حضرت
 رسالتنهایی . مشید ارکان مدنیت . مؤید مقصود از
 انسانیت فرمایشات شرع ثریفرا جوهر . و ترقیات ملت ضعیف
 را مصدر . تعیین حقوق درجات . و تحدید ترتیب ترقیات .
 قو عد مساوات نامه . فوائد مواسات عامه . انتشار
 معارف و مطبوعات . و اشتهار عوارف و معلومات . مقصود
 تمدن . معنی از تمدن . جازب مکنت و ثروت ملت . و جالب
 عزت و رفاهیت رعیت . وسیله نیک بختی سرمدی افراد
 ایرانی . و سر آمد جمیع خوش بختیهای هر دو جهانی . ترویج
 صناعت . و رونق افزای بازار تجارت . و ترقیات فوق العاده
 زراعت . و وظیفه حکمرانان . و طریق مصلحت هواخواهان .
 لذت بردن از حیات وزنده گی . و مقرر بودن تکالیف بدون
 انفعال و شرمنده گی مروج صنایع . و مهیج بدایع . قوای
 طبیعی ملت را روح بخشنده و خیانت کاران دولت را
 جزاد هنده . اسایش عباد . و آرایش بلاد را لبیک کویان .
 و اندام کشور را بشکر را بکسوت عزت پوشان . من بالکنکنت
 سخن . و بسته گی ذهن . چگونه به تفسیر بیانات ملوکانه .
 و فرمایشات خسروانه . و تقریر وزیر بلا نظیر کار آگاه .

مغایرت مراسم و وظایف مقرر در دولت خواهی و ملت پرستیت و در حفظ منبع شئون دولت و حفظ رفیع حقوق ملت بقسمی که معین است نکوشند و محارست نگاهندارند باز اشتهار دهیم که متارکه نماید و نزد خود و دولت و ملت منفعلی آیند و هم از سیاست فائده دولت علیه ایران مجازات بینند و جزا بشنوند و سایر قناسل و نماینده کان تبه یافته هرگز پیرامون اعمال ناشایست که توهین دولت و ملت را منظور است نکرند مقدمتا این بیان ساده که خالی از اهمیت نیست بچته بعضی خواننده کان لازمست که استحضار بهم رسانند (ساحت صفحات چهره نما از لوٹ اغراض شخصانی و کدر امراض نفسانی پاک و منزهست و این رضیع ناز پروریده بعنایت و توفیقات حضرت آلهی و توجهات مستظہرات حضرت ظل آلهی رایحه چاپلوسی و تلق نشنیده و شربت بدفرجام مجاز کوئی نچشیده و نخواهد شیند و دید بارای ثابت و نیت پاک از آرایش اغراض در مسلک حق کوئی و جاده حقیقت نویسی سالک است) چنانچه امروز از سلوک و قاعده دانی و آداب و مراسم دولت خواهی و ملت پرستی و مراتب حفظ حقوق دولت و ملت شناسی جناب مهران خان قونسل اسکندریه سخن راند و بذریعه خود کفایت و لیاقت این شخص دو لخواه غیور متعصب شاه پرست را بسمع اولیای دولت علیه میرساند خدای نا کرده روزی بر خلاف بیند و نکته که کتمان حقوق دولت و ملت در او شده باشد بشنود بدون تشکی و کله فردی ازادنا

و شاهزاده روشن ضمیر دولت خواه . افدام . عشری از اعشار . و ذره از هزار . تمام کنم . و در دریای صداقت و کوهر ثمین وزارت . ذاتی است بی مثال . و ثالیست حقیقت همال . تو ناچند مست باوه گفتن . و بجای در خرف سفتن . وقت عشرت و شادی . و نوبت سرست و آزادی . (بر سر ایرانیان حق منتهی و افرنهاد * تاشه نشه او و زارنرا بعین الدوله داد)

اعتذار یا جوهر مقصود

شکر نامه اهالی ایران مقیمین اسکندریه که متضمن از حسن انتخاب حضرت اشرف پرنس ارفع الدوله سفیر کبیر و مشتمل بر رضا یتمندی و خشوقتی از ماموریت و رعایت حقوق دولت و ملت پرستی جناب مهران خان قونسل اسکندریه بود باداره رسید اگرچه آقایان عظام سیما جناب اقا محمد علی معین التجار تاجر رشتی متمنید که شکر نامه در چهره نما مندرج گردد لاکن بواسطه ضیق صفحات روزنامه معذرت میطلبیم و تصریح مقصود را مینمائیم و وظیفه مقدسه ما همواره آنست که در نشریات مدوحه و مذمومه که راجع بملت نجیبه ایرانیت خودداری نکرده نشر دهیم چنانچه اعمال و کردار صاحب ان ناشی از صداقت و حقیقت و دولتخواهی و بسا محسنات است که افتخار دولت و ملت را کواهدست انتشار دهیم تا سایرین مامورین و نماینده کان دولت علیه اقتباس و پیروی کرده بمقامات عالیه و مناصب متمالیه ارتقا یا بند بر شوکت دولت و عزت ملت بیفزایند چنانچه احیانا کردار و سلوک و رفتارشان

رعیت عین واقعا خواهد نکاشت و بدون خوف و هراس مطالب را در میان خواهد گذاشت و لو زبانش به برند و خامه اش بشکند و نفسش قطع کنند از حق کوئی و حق جوئی منحرف نشود و از حقیقت نویسی منصرف نگردد

این مطالب مسلم جهانی است چنانچه جناب مهران خان پاس حقوق دولت و ملت را بقسیم که وظیفه ما موریت اوست و امروز نگاهید ارد ابدی نگاه دارد جذب قلوب و استرضای خاطر اتباع دولت متبوعه خود را به بهترین وسایل فراهم میآورد و معلوم است فقط نخواست رعایا که بمنزله اولاد حقیقی پادشاه اسلام پناهند خشنود نموده بلکه شمیم جان نجش این مسرت و خشوقتی و نسیم روح پرور این بهجت و خشنودی بطرفه العینی خود را بذروه عتبه حضرت پرنس ارفع الدوله میرساند و خاطر دریا ذخایر سفار تنهایی را باعث مسرتی کونا کون مینماید و از انجا دوری زده بحکم طبیعی و قانون مکافات طبعاً خود را بدار الخلافه باهره و آستان ملک پاسبان اعلحضرت اقدس پدر حقیقی این فدائیان السلطان مظفر الدین شاه میرساند و موجب ترفیع مقام و شئون و تریید رتبه های کونا کون لایقه اعلحضرت ظل آلهی میشود

امروز نماینده کی نماینده های دولت علیه بر خلاف سابق که در پشت حجابات اغفالات مستور بود مشهود است آنچه بنمایند پاک و روشن بدون زائده چینی و سخن بسمع اولیای دولت قوی شوکت

میرسد از انصاف که رکن رکن انسانیت است نمیشود گذشت جناب مهران خان در این مدت ماموریت که ترفعا و مفتخر با بدین منصب نایل شده بوجهی مطلوب و قسمی مرغوب شئونات رفیعه دولت متبوعه خود را در انظار جلوه داده که مورد هزاران تمجید و تحسین است و در پاس حقوق ملت باعلا درجه جنبش نموده و منظور داشته و لیاقت و کفایت نخرج داده که در خور بسی ستایش و تعریف است انشاء الله اقدامات سایر مامورین بلاد خوارج از مامورین جزء تا کل را در آتیه مشروحاً مینگاریم تا با از کلیم ماموریت در از نکرده وظایف خود را بدانند

نقل از کرامی روزنامه تربیت

(اداره بلدیہ)

شهد الله جناب مستطاب اجل اکرم مختار السلطنه دام اقباله العالی در ترتیبات امور بلدیہ مساعی جمیله مبذول میدارد بلکه جانفشانی میکند جز اینکه قدری محتاج بهمراهی عموم اهل بلد میباشیم و کمتر کسی است که همراهی داشته باشد یعنی این مطلب موقوف بفهمیدنست و راه فہمیدن گم شده جناب معزی الیه اعلانات بی در پی میناید چنانکه اعلان ششم را در این ایام دیدیم مقاصد مهم و عالیت خداوند گوش شنوا و مدرک بدهد واقعی باید در نمره های آتیه بشرح این متن پردازم مگر شرکند و اثر نماید ارزاق درکار نزلست و مخصوصاً مبلغی از قیمت نان پائین آمده و اسباب رفاه علمه شده در هر حال روز بروز از هر جهت بروسعت می افزاید

چهره نما

کفایت و کاردانی و صداقت و حقیقت شناسی
مختار السلطنه سردار منصور از افتاب روشن تراست
که این وزیر حقیقت آیین پاک ضمیر از روز اولیکه
در دوائر دولت علیه ایران بمأموریت منتخب
گردیده همه دم آثار خدمات صادقانه از او بروز
کرده و بصحت و درستی و امانت و سرپرستی رعایا
قیام نموده از ظواهر حال و بواطن احوالش معلوم
که این بزرگ مرد غیور دانا کارا گاه چه قدر
دولت دوست و ملت خواهست که همه دم از
شرف و ناموس دولت صحبت راند و همیشه طالب
شئون دولت است و طالب ترقیات و مقتضیات
اوقات رعیت و ملت است و ذره در پی منافع ذاتی
بنوده سونح عمری ان بزرگوار را کتابی باید

از زمانیکه بریاست سوارهای فتحیه حضرت والا
ظل السلطان منصوب بود و بعد در طهران زحماتی
نمایان داشت و خدماتی شایان کرد از قبل کوچه و خیابا
نهارا شوشه کردن و انتخاب سوارهای ژاندارمه
و پولیس بلدی و نظافت شهری و . . . بانداک مدتی
صورت دادن همه علامت بزرگواری و حسن نیت
و پاکی طینت و شاه پرستی از روی حقیقت و دولت
خواهی از روی بصیرت و ملت پروری از راه
مروت او بود بدبختانه چندی دوچار چنگال اندیو

سیرت پست فطرت خیانت طریقت تباه کفنده
شرف دولت و برباد دهنده ناموس ملت میرزا
علی اصغر خان امین السلطان افتاد نه فقط این ستاره
در خشنده آسمان صداقت و امانت از ظلمت غمام
ان تیره طینت مکدر و مستور بود بلکه سایر
کواکب نور دهنده چرخ حقیقت و سروری دولت
عایه ایران مبتلا بودند انشاء الله بموقع شرح حالات
وزحمات و مشقات هر یکرا با وضع سلوک امین
السلطان بالنسبه بانها و سبب اغراض شخصیه
و امراض نفسیه او خواهیم نکاشت امید واریم از
توجهات معنویه سردار منصور همه روزه بر نظافت
دار الخلافه که حفظ الصحه عمومی را شامل است
افزوده گردد خصوصاً سلاح خانه را که اهمیتش
بیش از همه میباشد باید بطرف دیگر قرار بدهند
و این کسافت مجسم که تولید بسی امراض مسریه
مهلکه میکند بمسافتی بعید از شارع راه آهن
حضرت عبد العظیم قرار بدهند

مکتوب از ولاد قفقاز

بعد از القاب . . . نخستین شماره جریده معظمه
(چهره نما) که بتازه کی از افق آمال ملت چهره نمای
ترقی و سعادت شده زیارت گردید زاید الوصف
خوشنود و مشعوف شدم در واقع جسته جسته امثال اینگونه
ذوات متمدن که در تربیت و ترقی ملت سخن مهنداند
ملت را نعمتی است غنیمت و مستلزم بسی تشکر و تعجب است

لا تعد وتحصا ومضرات جهل الى ما شاء الله
هیچکس از ظلمتکده جهل وتوحش بشاهراه علم
وتعدن رهسپار نکشت مگر اول پا بدر واژه علم که
مکتب است نکذاشت ووسایل بینائی وبصیرت اقوام
عالم ووسایط دانائی ومدنیت سلسله بنی آدم از
افتتاح مدارس وارتیاح مکاتب بوضع جدیداست
خصوص در بلادیکه قومی غریب باشند ومحاوره
ومکالمه انها بازبان ملی ولسان وطنی نباشد یعنی بحکم
طبیعت قرنی نمیکذرد که طبعاً از رسوم مذهب خود
متنفر کردند بر مبصرین واجب است که چراغ ملت
نوازی بر افروزند ونوباوه کان وطن کرامیرا از آداب
شریعت وحقوق دولت وشئون ملیت ومحبت
سلطنت بیاموزند بحمد الله امروز از نیات
مقدسه بنده کان اعلاحضرت پادشاه رئوف رعیت
نواز وشهریار عطوف ملت خواه پدر حقیقی
ما ایرانیان مظفرالدین شاه خلد الله تعالی ملک
در داخله ایران عموماً ودار الخلافه باهره طهران
خصوصاً دوائر تأسیسات مکاتب عدیده در تراید
وعلائم ترقیات مدارس جدیده در تصاعد ودرجات
علم ودانش وتسهیل تحصیل فضل وینش رو بترقی
نیک بختی از همه قسم فراهم گردیده

﴿ نظامنامه مدرسه مبارکه ایرانی روسی ﴾

(نروز) (در ولاد قفقاز)

﴿ باب اول ﴾ -

(موضوع مدرسه واجزای آن)

فصل اول - بموجب اجازه رئیس مدارس (دنوسکی

اینجانب عن صمیم القلب نامه نامی وچکامه کرامی را
تبریک وتهنیت کرده واز خداوند توفیق برای انمدیر خواهانم
بمدها نظامنامه مدرسه (نروز) که بتازه کی از نیات
حسنه وهمت ملت پرستی وغیرت ارجمند معارف شناسی
جناب جلاتاب اجل داودخان نصره الوزاره قونسل ولاد
قفقاز موجود شده ارسال کردم چنانچه مصلحت میدانید
در ذیل جریده معظمه مندرج بفرمائید چونکه مدرسه
شبانہ روزیست شاید بعضی مایل بشوند واکاه کردند

﴿ چهره نما ﴾

ما ازین بشارت نهایت بشاشت داریم واز
حسن نیت وپاکی فطرت وعلوهمت وپروز غیرت
جناب داود خان نصره الوزاره بیش از آنچه
متصور است متشکریم واز اجرای این امر جلیل
که اجری جزیل دارد ایشانرا از جانب خود وعموم
معارف شناسان ووطن پرستان وملت خواهان
تبریک وتهنیت میگوئیم واز خداوند مسنت مینائیم
که این قبل اشخاص متمدن غیور که باعث احیاء
زبان ملی وحقوق وطنی در بلاد خوارجه هستندزیاده
بر زیاد بفرماید اشخاصیکه مذاقشان از شربت
خوشکوار ادب ودانش ملذوذ وطبع سلیمشان
از فواید علم وینش محظوظ شده میدانند که این
گونه اخبارات روح پرور تاچه درجه سبب نزول
نشاط وطرب وباعث رفع هموم وکربست

منافع جمیله دانائی وتایج رذیله جهل ونادانی اظهر
من الشمس است هر قدر فواید در ثمره شجره طیبه
علم دیده میشود برعکس ذلت وخفت وپشیمانی
از نهال ندامت از جهل برده میشود محسنات عا

قبول و با اخراج میشوند با تصدیق حاکم شهر و معرفی رئیس مدارس

✽ ملاحظات ✽

بعد از تشکیل مدرسه عده شاگردان و کلاسها که افزوده شد مدیر افتخاری حق دارد که دو معلم نیز یکی اسلامی و دیگری روسی علاوه کنند ولی باز برای رئیس مدارس خواهد بود

✽ باب دوم ✽

(دروس مدرسه)

فصل ششم - دروسی که در این مدت تعلیم خواهد شد بقرار ذیل است ۱ - علم شریعت - ۲ ترکی آذربایجانی - ۳ زبان فارسی - ۴ عربی - ۵ روسی - ۶ فرانسه - ۷ ژئوگرافی - ۸ تاریخ - ۹ حساب - ۱۰ جزء ابتدائی فزیک و هندسه - ۱۱ تاریخ طبیعی - ۱۲ - علم تجارت - ۱۳ زاقون روس بقدر کفایت - ۱۴ تربیت محاکمات و نظامات دیوانخانه های روسی - ۱۵ علم خط - ۱۶ بعضی از صنایع معموله

✽ تبصره ✽

علم شریعت را معلم علوم الهی خواهد داد و السنه ترکی و فارسی و عربی و فرانسه را معلم السنه شرقیه و باقی درسها را معلم روسی بقیه دارد

✽ مکتوب از باطوم ✽

الحمد لله از نیات سعادت پایه جناب جلاتمآب اجل عالی مهتر اقا خان قونسل باطوم و اهتمامات بخدا نه جناب معتمد السلطان اقا محمد اقا مهدی اف امین التجار رئیس شرکت امید حصار قبرستان ایرانیان باطوم از طرف

او بلاست) و بافدانات و حق شناسی و معارف پروری و همت مخصوص معتمد السلطان اقای میرزاخو دادان نصره الوزارة قونسل دولت علیه ایران در ولاد قفقاز مدرسه ایرانی و روسی نوروز در تحت حمایت مخصوص قونسلگری تاسیس یافته است که اطفال تبعه دولت علیه ایران در انجا تربیت یابند

فصل دوم - موضوع مدرسه آنست که اطفال ایرانیان مقیمین مملکت قفقاز اولاً در دین مقدس خود و به اسلام است و زبان ملی خودشان تبصره کامل پیدا کنند اثباتاً زبان روسی و فرانسه و بعضی از صنایع واحد کفایت خودشان فراگیرند

فصل سیم - این مدرسه در تحت ریاست رئیس کل مدارس (دترسکی او بلاست) خواهد بود

فصل چهارم - برای اینکه مدرسه را همیشه مواظبت صحیح باشد رئیس کل مدارس (دترسکی او بلاست) از جانب خود با تصدیق عموم ایرانیان بکنفر (مدیر افتخاری) انتخاب میکنند که همیشه مدرسه در تحت نظارت او باشد مدرسه نوروز در تحت مدیریت (افتخاری) قونسل دولت علیه ایران مقیم ولاد قفقاز است و اگر معززی الیه از این مدیریت استعفا دهد ممکن است در عهده کفایت شخصی محترم دیگر باشد

فصل پنجم - سال اول در مدرسه چهار معلم خواهد بود یکی معلم علوم الهی دومی معلم السنه شرقیه سومی معلم روسی چهارمی معلم (ژیمناستیک) معلم السنه شرقیه و معلم علوم الهی انتخاب میشوند بمعرفی مدیر افتخاری و برای رئیس کل مدارس (دترسکی او بلاست) و معلم السنه شرقیه با علم و فضل خودش معروف عام باشد و همچنین معناد بکار های نا مشروع نباشد و بتواند اطفال را با اصول جدید زود ترقی دهد معلم روسی انتخاب میشود برای رئیس مدارس و باید در زبان روسی تکلمی و شهادت نامه مدارس روسیه را در دست داشته باشد که بتواند در این قبیل مدارس تعلیم نماید و هر چهار معلم

غسالخانه با تمام رسیده است و چند ستون نیز از طرف شارع که طریق شهر است نصب شده است يك فقره پول اول که در يك مجلس نادیده شد تمامی مصروف شد یعنی نا تمامی غسالخانه و اطراف و جوانب او مع یکطرف ثلث حصار قبرستان ازین پول با انجام رسید حال در تدارک هستند جناب جلال‌آقا اجل فونسل که بهمت و جوانمردی آقای امین التجار باز مجلسی کرده اهلها بطلبند و هر قسم است پولی جمع کنند و این بنای خیر که عمل آخرتی است در این شهر سرحد تمام کنند و حصار قبرستانرا تمامی بکشند و اما اگر سایر کار پر دازها با این وجود مبارک نگاه کرده در اعمال خیریه همی صرف کنند در بلاد خارجه خیلی بجاست و اسباب روسفیدی میباشد و هم نزد خوارجه هاپی دیانت بقلم تیروم افسوس که در این شهر بجز یک نفر امین التجار دیگر صاحب همی نیست این یک نفر را هم عا برین نمیکنند و الا اگر چند نفر بودند مریضخانه و صندوق خیریه و غیره فراهم میآمد یکدمت هم صداندارد خداوند توفیق و سعادت ابدی به بندکان اجل عالی میرزا آقا خان فونسل و جناب مستطاب معتمد السلطان امین التجار بدهد که این دو عمل خیریه را بجائی رسانیده اند یکی دو مرتبه بعضی خدمت خان فونسل اظهار کردند که چیزی بجناب حاجی زین العابدین تقی اف تاجر بادکوبه بنویسید شاید کاری بشود و این عمل خیریه تمام شود جناب فونسل جواب دادند حیا مانع است چیزی بنویسم انشاء الله بعد از مجلس دویم و جمع آوری اعانه راپورت اورا بعرض مهندسانم

« چهره نما »

هر کس لمحہ مجالست و سماعی مکالمت با جناب میرزا آقا خان فونسل باطوم بناید و شمه بحث از ترقیات دول و احتیاجات ملل خصوص دولت عالیہ ایران بکنند از وجنات حال و مشاهدات احوال استنباط خواهد کرد که این مرد غیور متعصب متمدن متدین که فرشته ایست بصورت بشر چه قدر در دولتخواهی و ملت نوازی بی همتاست

و ناچه اندازه حمیت و غیرت دارد و ناچه درجه خیالانش عالی و نیانش بلند است هر زمان صحبت دولت و ملت ایران در میان آید و از احتیاجات ملی سخن رانده شود و از تعدیات روسها شکایت شود این آزاد مرد نجسته چشمانش خونابه و غضب آوده و هروقتش بر و اعضایش خشمکین و جوارحش متزلزل گردد (کاشکی یکموی این قبل اشخاص به بدن بعضی بزرگان نالایق حقیقت شناس خیانت پیشه بود) امید است اهالی باطوم پیروی بخیالات عالیہ ایشان کرده بقیه حصار بندے قبرستانرا با تمام برسانند اگر از روز اول اقدام نکرده بودند بهتر از این بود که ینم کاره گذاشته و گذشته باشند و در انظار اجانب و اغیار خود را هدف تیر شانت کنند اگر چه جناب آقا محمد آقا مهدی اف امین التجار مؤسس شرکت امید (که شرح محسنات و مضرات این شرکت را در آئینه محض بصیرت رؤساء کل جزء خواهیم نکاشت) که میتوان ملت نجیبه ایرانیه سکنه روسیه امروز بوجودش فخر و مباهات کنند الحق در اعمال خیریه ملیه غفلت نورزد و خود داری نکنند لکن در هرامری قراری هست و اندازه باید که عمل کنند بتوانند از عهده بدر آید معلوم است جناب امین التجار بان نیات عالی بلند و همت متعالی ارجمند مجمعی گرد کرده در جلسه ثانی آنچه بقیه مصارف حصار بندیست جمع میفرمایند که این بنای خیر بانجام برسد خوبست اهالی باطوم اشکار می بینند مقابر و مزارستان سایر ملل بچه قسم است و چگونه همت مصروف میدارند و از هیچ گونه مصارف مضایقه نمیکنند باز خداوند بجناب امین التجار عمری طولانی و نام نیک دو جهانی عطا کند که از کیسه فتوت و جوانمردی خود پاسبان گاشته بدون اعانه و استمداد غیری ما هیانه اورا میدهند اما ضروری نداشت بجناب حاج زین العابدین تقی اف مکاتبه میشد بقراین حاجی تقی اف در این امورات مضایقت نداشته باشند و بدلی مینمایند

« نجف اشرف »

خبر نکارما فقره ناخوشي از شنبه بیست ششم ربيع الاول غفلتا از گوشه و کنار چشم آدم کشي باز کرد کم کم روزانه از یکصد و پنجاه نفر کشتار رسید بدویست پنجاه نفر مجلس حفظ الصحه و حکومت بلدی کمال جد جهد در نظافت بعمل آورد مخلوق هم متوسل بیاب الله نجات گردیدند تا آنکه بجمد الله دست کشید و تا ۱۳ سیزدهم شهر حال که ربيع الثاني است بندرت کسي مبتلا میشود ولي کربلا مجدداً عود کرده و عدد مبتلایان بروزی سیصد پنجاه نفر رسیده و از اخبارات این دوروزه تخفیف کلي دست داده حکومت قدغن سخت نموده است که نه کسي بیاید و نه کسي برود نیامدن اقاي امین السلطان باین صفحات خیلی اسباب ضرر شد اغلب بقرض و قوله تدارك دیده بودند بیچاره ها کیسه ها دوخته بودند افسوس همه بهدر رفت و قرض هنکفتي بکرد نشان افتاد

« تلکرافات عمومی »

پترسبورغ - هنکامیکه (مستر دیلوف) وزیر داخله روس از دربار امپراطوري معاودت میکرد شخص بني اسرائیلی نارنجکي پرتاب درشکه کرد فوري متلاشي شده وزیر داخله پنج پارچه واسب درشکه و درشکه چي پارچه پارچه شدند لندن - مستر بلفور در انشاء مجلس عموم

چنین اظهار داشته که بموجب معاهده پاریس دولت روسیه حق نداشته است متعرض کشتیهای تجارتي دولت انگلیس در دریای چین شده باشد برلین - معاهده جدید بین دولتین آلمان و روس بامضای (کونت دي بیلوف) و موسیو دویت ویت رسید

پترسبورغ - موسیو (هردنج) سفیر دولت انگلیس در پترسبورغ سخت اعتراض نموده است و تاحال دو مجلس احتجاج در خصوص تعرض دولت روس بدو کشتي تجارتي انگلیس نموده است برلین - دولت آلمان بواسطه تقشیش دولت روس از کشتي تجارتي آلمان در دریای احر سخت اعتراض کرده است

توکیو - مخبر روتر خبر میدهد باصر (جنرال کورکي) سپهسالار کل قشون ژاپون متفقاً از سه نقطه ژاپونیا در حرکت آمدند بجهت دست آوردن (شهر شاتاي کوف) روسها خیلی ثبات ورزیده و مردانکي بخرج دادند و سه شبانه روز تکرک توپ و گلوله از جوانب میارید اما افسوس عاقبت شهر را تصرف داده و ژاپونیا غلبه بسته مقتولین طرفین بالغ بر سه هزار نفر بود دوهزار یکصد روسي و یک هزار ژاپوني لندن - اعلحضرت ادورد هفتم پادشاه انگلستان بذریعه تلکراف اعلحضرت امپراطور روسرا از قتل وزیر داخله تعزیت میگویند و خود را همدرد میدانند